



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۲۴

عزیز الله کهگدای

## یادداشت‌های مرحوم حافظ نور محمد کهگدای (قسمت ۳۲)

در ایام جلوس اعلیحضرت احمد شاه بابا ز عمای دولت در فص خاتم احمد شاه بابا صورت طاووس را حک نمودند و شکل خاتم جیغه دار که مانند گل در حصه اخیر پرتاووس دیده می شد، ساختند. علت انتخاب این شکل در خاتم دولت افغانستان این بود که **طائر قدس و طاووس عرش حضرت جبرئیل «ع»** یاد شده و طاووس علوی آشیان آتش را بکنایه یاد کرده اند. و بدین لحاظ در قدیم تاج سلاطین را با پر طاووس که زینت خاص دارد، می آراستند و در بازوان تخت از چوب و عاج بشکل طاووس نقش میکردند همچنین پایه های تخت پادشاه را بشکل طاووس از چوب آبنوس و صندل میساختند و هم در اطراف کلاه شاه و شاهزادگان نیز پرتاووس را نصب مینمودند. مرکب مخصوص را که برای نوشتن صغرای فرمانها اختصاص داده بودند بنام مرکب طاووس یاد می نمودند .

**اردوباغ:** اعلیحضرت احمدشاه بابا طی فرمان سال ۱۶۹۱ق امر احداث اردوباغ بزرگی را در کابل که ناحیه امروزی **باغ علیمردان، ریکاخانه، میدانی عیدگاه، چمن حضوری وزارت حربیه** را در بر میگرفت و در ماه حمل سال ۱۱۳۵ ش در ساحه فوق باغ عالی اردوگاه اعمار گردید که تا اواخر حکومت سدوزایی ها قابل استفاده اردوی افغانستان بود. قسمت جنوب شرقی اردوباغ «**ساحه باغ علیمردان**» محل نماز خوانی ایام عیدین شاهان و اهالی کابل بود که بنام میدان عید گاه یاد میشد که دارای یک محرابی که از گچ و آجر آباد شده بود. اعلیحضرت احمدشاه درانی هنگامیکه در دارالسلطنه کابل اقامت داشتند مراسم عید اضحی را در همین «**میدان نماز**» اردو باغ به شمول امراء ، علماء ، وزراء ، خوانین ، عساکر و شهریان کابل ادائی نمود. بعداً قسمت زیادی از ساحه را سرداران محمد زایی به تصرف خود در آوردند. تا آنکه امیر عبدالرحمن خان همان میدان نماز را مسجد بزرگی با کمان ها و فیل پایه های نقش و نگار اعمار نمود که در صحن آن باغ و پارک زیبای ساخت که ساحه با دیوارهای قشنگ هنری احاطه شده بود این همان **مسجد عید گاه** است که بیشتر در ایام عید و جمعه ها مراجعت گاه شاهان و مسئولان لشکری و کشوری و اهالی کابل بوده و هنوز هم پابرجاست.

امیر حبیب الله خان ساحه اردوباغ را به قومی باغ نام نهاد و قسمت زیاد همان جلگه را تسطیح و آنرا چمن حضوری نام نهاد که حبیب الله بجه سقو با ۱۱ همراهانش در همین چمن بدار زده شدند. امیر حبیب الله خان در سالهای اخیر عمر خود ختم قرآن مجید را در نماز های تراویح با جمع کثیر اهالی کابل در مسجد عید گاه اداء نموده و برای نمازگزاران طعام مکلف هم تهیه میشد که از طرف عصر در چمن حضوری با نظم خاص بالای درسترخوانها و سینی های بزرگ ترتیب می دادند و مردم بعد از افطار و نماز شام بمعیت امیر در ختم قرآن کریم اشتراک میکردند. ختم به امامت **حافظ محمد حسن خان** بن ملا صالح محمد خان از اهالی تره کی یکی از حفاظ جید و با تقوی کشور بود عمر درازی امامت مسجد ارگ شاهی را بعهده داشت و شاهان عصر به امامت وی ختم قرآن مجید را در نماز های تراویح اداء می نمودند و هر شب سه سپاره خوانده در شب دهم ختم میکرد و برای فتحه دادن چندین حافظ جید مانند حافظ خضر محمد، حافظ خدا بخش و امثالهم در عقب امام محمد حسن موقوف داشتند ، چون حافظ مذکور بسیار لایق و قرانت جید تربود از اینرو بیک فتحه ضرورت نمی افتاد. حافظ محمد حسن خان در تقسیم آیات رکعت ها یک مهارت و دور اندیشی خاص خود را داشت . او به عمر ۷۳ سالگی وفات یافته در ساحه زیارت عاشقان و عارفان بخاک سپرده شد.

در یکی از شبهای رمضان المبارک امیر حبیب الله خان، میر عبدالواحد خان یکی از مصاحبان خود را بعد از صرف غذا به سر سفره فرستاد تا یکی را از میان نمازگزاران از سر سفره با خود بیاورد تا در مورد چگونگی طعام از وی پرسان کنم. مصاحب بعد از جست وجو از میان مردم، حاجی میرزا **عبدالعزیز خان لنگرزمین** را که از کاکه های فهمیده بود، مناسب دانسته با خود بحضور امیر حاضر ساخت .

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

امیر پرسید:

حاجی صاحب! شما در شبهای تراویح همیشه در سفره حاضر می باشید، آیا چیزی بالای سفره کمبود دیده میشود، تا تهیه گردد؟

لنگر زمین فرمود: صاحب! از برکت شما همه چیز موجود است، صرف یک چیز؟

امیر پرسید: آن چیست تا آماده گردد؟

او گفت: **شکر**.

امیر را گفتار لنگر زمین خوش آمد و تکراراً شکر را بجا آورد.

**سردار نصرالله خان** پسر دانشمند امیر عبدالرحمن خان ضیاءالملته والدین که در زمان امیر حبیب الله خان، نائب السلطنه و متصدی امور مملکت بود علاوه بر اینکه دارای لیاقت اداره و پیشبرد امور بود، عالم ورزیده، خداجو، حافظ قرآن کریم، ادیب و ادب پرور خوب بود، در راه اداره و پیشبرد امور، اداره چپ فعال بود. مرحوم سردار نصر الله خان از همه بیشتر یکی از علاقه مندان خاص کلام **حضرت ابولمعانی میرزا بیدل**، عارف و فیلسوف و شاعر بزرگ بود. موصوف کتب زیاد و آثار خطی آن شاعر بزرگ و همه دل را جمع آوری کرده دائماً شعرا و فضیلاي کشور را بمنزل خود برای ترتیب تردیف، تطبیق و تفریق نظم و نثر مؤلف ساخته بالاخره کتاب بزرگی از منظومات حضرت بیدل را که تصیح و تکمیل شده بود به مطبعه حروفی امر چاپ داد که به صفحات بس بزرگی تحت طبع گرفته شد و الی ردیف « **دال** » رسیده بود که زمانه موافقت نکرده، آن قدح بشکست و می گوارا ریخت و امیر حبیب الله خان شهید شد و اقتدار سردار نصرالله خان هم پاشید و کتاب نا تمام و در ردیف « **د** » ماند. این کتاب ناتمام فی جلد **2 روپیه** بفروش میرسید که آنرا دکانداران برای پوری و پاکت کار می گرفتند. وقتیکه مردم به ارزش کتاب پی بردند فی جلد به بیست افغانی و سپس به سی افغانی و رفته رفته به صد افغانی بفروش میرسید.

پایان